سلام کودکانه

غذای محلی

امروز مامان یک غذای محلی درســت کرده بود. من دوست نداشتم بخورم. مامان گفت: «چرا امتحانش نمی‌کنی؟ منم اول فکر نمی‌کردم غذای خوشــمزه‌ای باشــه اما وقتی یک کم خوردم اون قدر خوشــم اومد که دســتور پختش رو از دوستم گرفتم و یادداشت کردم تا برای شما هم درست کنم». من اول یک ذره خــوردم. مامان راســت می‌گفــت مزه خوبی داشت. من همه غذایم را خــوردم و از مامان به خاطر غذای خوشمزه‌ای که درست کرده بود، تشکر کردم.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و...
۰۹۳۵۲۴۳۹۴۵۷۶
۲۰۰۰۹۹۹

معرفی فیلم

پرندگان خشمگین ۲

بعضی از کارها را ما به تنهایی نمی‌توانیم انجام بدهیم اما وقتی بقیه به کمک ما می‌آیند و هر کسی شروع به انجام بخشی از کار با توجه به توانایی‌هایش می‌کند، کارها بهتر و سریع‌تر به نتیجه می‌رسد.

داستان پویانمایی پرندگان خشمگین ۲ هم به این موضوع ارتباط دارد.

در ایــن فیلم« قرمــز» ابتدا فکــر می‌کند که باید بــه تنهایی سرزمین‌شان را از خطر نجات دهد، تا بقیه او را دوست داشته باشــند، اما کم کم و با توجه به اتفاقاتی که در طول داســتان برایشان می‌افتد، متوجه می‌شود که...

پیشنهاد می‌کنم این پویانمایی زیبا را همراه خانواده ببینید و از دیدنش لذت ببرید.

شعر

آقای نجار و وروجک

بالای گوشش یک مداد است
بالای میزش خط‌کش و چوب
با چوب می‌خواهد بسازد
یک چیز خیلی عالی و خوب

یک روز مانند عمویم
من می‌شوم آقای نجار
در کارگاه کوچک او
هستم برایش مثل همکار

بالای گوش من مداد است
مانند یک نجار کوچک
انگار اسم ما دو تا هست
آقای نجار و وروجک

عفت زینلی

تصویرسازی‌ها: سعید مرادی

فرفره
صفحه‌ای برای ۵ تا ۱۰ ساله‌ها
روزهای زوج
«زندگی سلام»

شهر قصه

این مسواکه یا جارو؟

خرسی مسواکش را برداشت و کنار رودخانه رفت. بعد از این که ناهارش را خورد، دندان‌هایش را مسواک کرد و زیر درختی خوابید. خانم موشی از کنار رودخانه رد می شد، مسواک را دید، جیغ کوتاهی کشید: «جانمی جان. چه جاروی خوبی!»مسواک را برداشت و به لانه اش برد.

خرسی بیدار که شد به طرف رودخانه رفت تا مسواکش را بردارد، اما مسواکش نبود. مار را دید و پرسید: «تو مسواک من رو ندیدی؟»

مارِ فیس فیسو گفت: «چرا دیدم. دست موشی بود اما مسواک تو دست موشی چی‌کار می کرد؟»

خرسی گفت: «نمی دونم!»

خرسی به طرف لانه موشی رفت. وقتی رسید خانم موشی را دید که می خواهد با مسواک، جلوی در لانه را جارو کند.

خرسی داد زد: «نه. این کار رو نکن. اون مسواک منه!»موشی مسواک رو پشتش قایم کرد: «نخیر، جاروی منه. حالا برو می‌خوام جلوی در خونه‌مو جارو کنم.»

خرسی گفت: «اما من با این دندونامو مسواک می‌زنم!»

موشی گفت: «اِهکی... خودم پیداش کردم!»خرسی کنار لانه نشست و اوهو اوهو گریه کرد. موشی دلش سوخت: «اگه مسواکت رو بدم، چطوری جلوی در خونه مو جارو کنم؟»

خرسی بلند شد، به اطرافش نگاه کرد. مقداری علف دید. رفت و علف ها رو چید و دور اون یک شاخه نازک پیچید: «بیا، اینم یه جارو!»

موشی جارو را با خوشحالی به دست گرفت: «چه جاروی خوبی!»

خرسی خندید. مسواکش را گرفت و رفت.

نویسنده: عارفه رویین

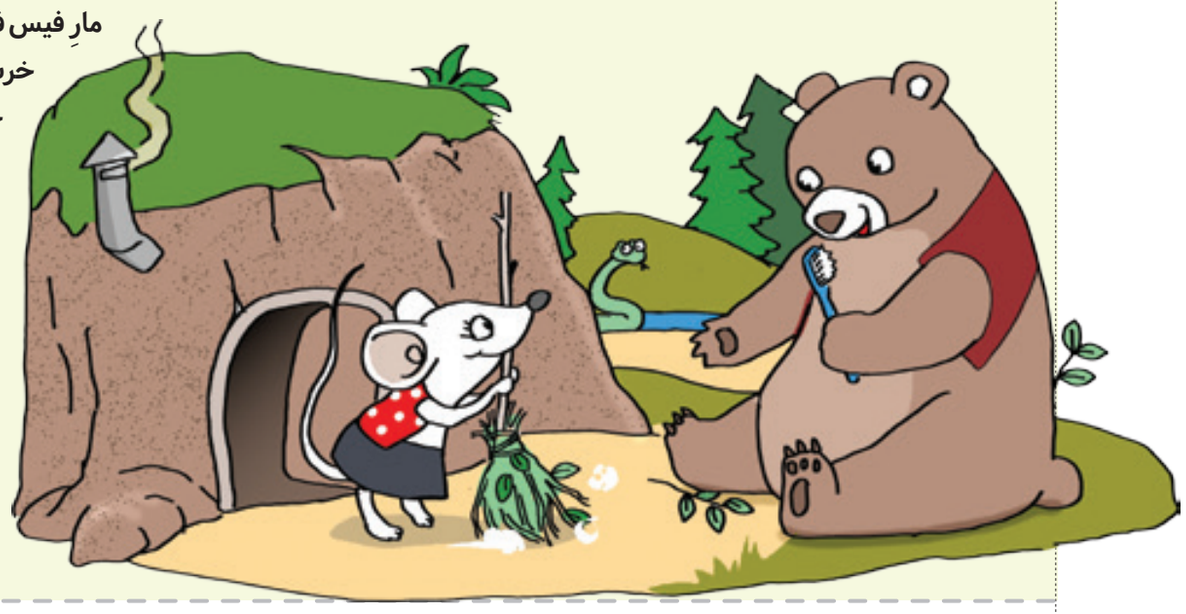

سرگرمی

جدول الفبا

دوستان گلم در جدول زیر نام ۹ وسیله را پیدا کنید که آقای نجار یا از آن‌ها استفاده می‌کند یا آن‌ها را می‌ســازد. (راهنمایی: کلمات از بالا به پایین یا از راست به چپ مرتب شده‌اند)

هادی عابدی

م	م	ک	م	د	ا
د	ی	م	چ	و	ب
ا	خ	ت	چ	ک	ش
د	ک	ر	ا	ر	ه
م	ی	ز	ک	ا	ر
ص	ن	د	ل	ی	ب

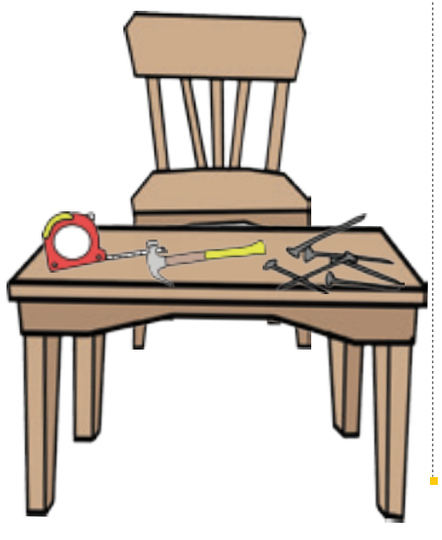

با من یاد بگیر

آموزش انگلیسی

دوستان خوبم می خوام چند تا لغت رو همراه با شعر بهتون معرفی کنم تا با این لغات و معادل انگلیسی شون آشنا بشین.

heater
بخاری

گرما داره فراوون
بزرگترا لوله شو

شبا که توی خوابی
چک می‌کنن حسابی

fan
پنکه

می‌چرخه و می‌چرخه
سرما رو میده بیرون

دور خودش با سرعت
تا که تو باشی راحت

oven
اجاق

روشعله‌هاش می‌پزن
بپا نری توسمتش

غذاهای رنگارنگ
بچه خوب و زرنگ

شاعر: سحر بهجو